

بدون جهان‌بینی توحیدی قدرت حل تضاد اجتماعی را نداریم

گفتاری از آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی

گرچه به شکلی که آنان مطرح کرده‌اند، مورد انتقاد دیدگاه‌های اسلامی است، اصل رابطه درست است. نمی‌توان مسائل اقتصادی را مجزا از مبانی فلسفی دانست و برای اعتقادات نقشی در مسائل اقتصادی و حتی مکانیزم‌های اقتصادی قائل نشد. تمام مسائل اقتصادی تحت تأثیر مفاهیم مبنایی اعتقادات و ایدئولوژی‌ها قرار دارد.

بر اساس این مقدمه، جایگاه مشخصات فلسفی یا مقدمات مبنایی اقتصاد اسلامی روشن می‌شود. قهراً هر اقتصادی نیاز به شاخص‌های مبنایی و فلسفی دارد و متکی بر مبانی فلسفی است. حتی اقتصادهایی که سعی می‌کنند خودشان را مجزای از ایدئولوژی‌ها مطرح کنند (اقتصادهای نظام سرمایه‌داری)، آن‌ها هم مبتنی بر یک سلسله مفاهیم مبنایی است که به عنوان پیش‌فرض‌های مسلم پذیرفته شده است. آنچه سرمایه‌داری در مورد آزادی‌ها و حقوق طبیعی مطرح می‌کند، همه در حقیقت مربوط به مقولات جهان‌بینی و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. مفاهیم مبنایی حتی در تحقیق‌های اقتصادی که سعی می‌شود به صورت هندسه اقتصاد و علم اقتصاد و مجزا از مبانی فلسفی مطرح شود، نیز مستتر است. البته این سخن بدان معنا نیست که تحقیق‌های علمی اقتصادی که آنان مطرح می‌کنند، تحقیق علمی نباشد؛ خود آن تحقیق علمی است، ولی متکی بر مفاهیم و پیش‌فرض‌های فلسفی و جهان‌بینی‌هایی است و این مفاهیم مبنایی در عملکرد و صحت و سقم آن نظریه علمی مؤثرند.

بیان این مقدمه برای توضیح این نکته بود که مشخصات فلسفی یا مفاهیم مبنایی اقتصاد اسلامی، بحث اجنبی از مفاهیم اقتصادی نیست، بلکه یکی از ارکان مشخصه‌های نظام اقتصادی اسلام و هر نظام اقتصادی دیگری است. حال به اختصار به تشریح این مشخصات فلسفی می‌پردازیم و سعی کرده‌ایم فقط به رئوس مطالب اشاره شود.

سه مشخصه مبنایی و مفاهیم بنیادین اقتصاد اسلامی

در مشخصه‌های فلسفی یا مفاهیم مبنایی اقتصاد اسلامی، سه مشخصه اصلی وجود دارد:

۱. اقتصاد اسلامی، مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است؛
۲. اقتصاد از نظر اسلام، بخشی از قلمرو اختیار و حرکت انسان‌ها در جامعه و تاریخ است؛ یعنی اقتصاد در خدمت انسان است، نه انسان در خدمت اقتصاد؛
۳. اقتصاد اسلامی در عین واقع‌گرایی، برخورداری از ارزش‌های معنوی و ضوابط اخلاقی است. البته شاید مشخصات فلسفی اقتصاد اسلامی منحصر در سه مشخصه نباشد و ممکن است با تأمل، مشخصه‌های دیگری از این نوع را شناسایی کرد.

جهان‌بینی توحیدی

اعتقادات یک مسلمان به توحید و اصول عقاید منشعب از توحید و به عبارتی جهان‌بینی توحیدی او، اثرات فوق‌العاده‌ای در مسائل اقتصادی دارد و حیات اقتصادی انسان‌ها و جامعه اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اعتقاد به توحید و اصول منشعب از توحید، نقش اقتصادی دارد و به نظام اقتصادی پوشش توحیدی می‌دهد و آن را در این مسیر به حرکت درمی‌آورد. در اینجا به چند نمونه از این تأثیرها اشاره می‌کنیم؛ مثلاً بر اساس جهان‌بینی

آنچه می‌خوانید، چکیده‌ای از متن سخنرانی یک دهه پیش آیت‌الله هاشمی شاهرودی در یکی از دانشگاه‌های کشور است. ایشان در این سخنرانی مشخصات اقتصاد اسلامی را بر شمرده و به خصوص به تبیین مشخصه‌های فلسفی و مبنایی اقتصاد اسلامی با تکیه بر آرای استاد شهیدش، محمدباقر صدر می‌پردازد؛ زیرا معتقد است که استخوان‌بندی اقتصاد اسلامی در کتاب «اقتصادنا» تبیین شده است. در پایان نیز ایشان به برخی پرسش‌های استادان و دانشجویان پاسخ گفته که خواندنی است. آیت‌الله هاشمی شاهرودی بر این باور است که با لحاظ مبنایی فکری اسلامی، اقتصاد اسلامی واقع‌گراتر از اقتصاد غربی است.

سعی می‌کنم به طور خلاصه و فشرده، سرخط‌های اصلی و شاخص‌های اساسی اقتصاد اسلامی را مطرح کنم. البته این عنوان، بسیار گسترده است و بحث‌های زیادی را می‌طلبد، ولی ما در اینجا ناچار از اختصار و اکتفا به طرح عناوین کلی بحث هستیم.

اقتصاد اسلامی دارای مشخصات متنوع و مختلفی است. در اینجا به بیان چهار نوع مشخصه کلی اقتصاد اسلامی می‌پردازیم که این مشخصه‌های اقتصاد اسلامی را از دیگر مکتب‌های اقتصادی تفکیک می‌کند.

نوع اول: مشخصات فلسفی یا به تعبیر دیگر مفاهیم مبنایی اقتصاد اسلامی است.

نوع دوم: مشخصات فقهی یا به تعبیری دیگر منابع اقتصاد اسلامی است.

نوع سوم: مشخصات حقوقی اقتصاد اسلامی یا به تعبیری دیگر حقوق اقتصادی است.

نوع چهارم: مشخصات تحلیلی اقتصادی است.

با در نظر گرفتن هر یک از این چهار مشخصه، اقتصاد اسلامی فرق اساسی و ماهیتی با دیگر مکاتب اقتصادی پیدا می‌کند.

مشخصات فلسفی یا مفاهیم مبنایی اقتصاد اسلامی

مسائل اقتصادی ارتباط تنگاتنگ و ریشه‌ای با مبانی و مفاهیم مبنایی جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها دارد. اقتصاددانان خیلی سعی کرده‌اند مسائل اقتصادی را به عنوان علم اقتصاد مجزا از مبانی فلسفی جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها مطرح کنند، ولی بر خلاف نظر اقتصاددانان، به تدریج به این واقعیت پی برده شد که جهان‌بینی و اعتقادات و مفاهیمی که جامعه و افراد به آن‌ها اعتقاد دارند، فوق‌العاده در مسائل اقتصادی مؤثرند. خیلی از بحث‌های اقتصادی مبتنی بر تحلیل‌های اعتقادی یا به اصطلاح مبتنی بر یک سلسله پیش‌فرض‌های اعتقادی است. مثلاً وقتی انسان اقتصادی را تعریف می‌کنند، انسان را دارای مفهوم مشخصی از سود، زیان و مسائل دیگر فرض می‌کنند و بعد تحقیقات اقتصادی فراوانی را بر اساس این پیش‌فرض‌ها که صرفاً مربوط به جهان‌بینی یک مکتب درباره انسان است، پی‌ریزی می‌کنند. در اقتصادهای چپ‌گرا یا سوسیالیستی، این مسأله روشن‌تر است و رابطه مسائل اقتصادی را با مسائل فلسفی خیلی صریح مطرح کرده‌اند.